خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

سرقت از منزل مسکونی در روز روشن

صدیقی- سارقان در روز روشن با ورود به خانه یک خانواده روستایی و با تهدید زن خانه دار طلا و جواهرات وی را به سرقت بردند. زن روستایی که بعد از رفتن اعضای خانواده اش سر زمین های کشاورزی، مشغول کارهای خانه بود ناگهان مورد حمله سه سارق نقاب دار قرار گرفت. مال باخته که از این موضوع شوکه شده بود در این باره گفت: یک روز صبح بعد از این که همسر و فرزندانم از خانه بیرون رفتند و من مشغول انجام کارهای خانه بودم ناگهان سه مرد تنومند که نقاب بر چهره داشتند به زور وارد خانه شدند. سارقان با تهدید و زور از من خواستند طلاهایم را به همراه فاکتور در اختیارشان قرار دهم در غیر این صورت بلایی سرم خواهند آورد. من که از ترس خشک ام زده بود و جرئت داد و بیداد کردن نداشتم طلاهایم را به سارقان دادم و آن ها سریع از محل فرار کردند. بعد از فرار سارقان از ترس، حتی جرئت کمک خواستن از همسایه ها را نداشتم و فقط گوشه ای خشک ام زده بود تا این که همسرم متوجه ماجرا و پیگیر شکایت شد.

درخواست طلاق به خاطر خساست شوهر

زندگی فقیرانه در عین پولداری

صدیقی

داستان زندگی شان شاید باور نکردنی باشد اما حقیقت دارد. احتمالاً در اطراف مان با خانواده های بی بضاعتی رو به رو شده ایم که در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند اما به ندرت با خانواده ای برخورد کرده ایم که زن و شوهر هر دو حقوق بگیر هستند و درآمد عالی دارند ولی مانند متکدیان زندگی می‌کنند. زوج کارمندی که به گفته زن خانواده ماهانه ۶ تا ۷ میلیون تومان درآمد دارند و فقط حقوق یکی از آن ها کفاف زندگی ایده آل را می دهد اما خساست بیش از حد همسرش باعث شده در فقر و فلاکت روزگارشان را بگذرانند.

زن جوان که خستگی و بی حوصلگی در چهره اش موج می زند چنین تعریف می کند: ۸ سال بود که در عین پولداری مانند مستمندان زندگی می کردیم. کسی وقتی وضع زندگی ما را می دید باور نمی کرد زن و شوهر هر دو کارمند و حقوق بگیر باشیم.

شوهرم به شدت خسیس و پول جمع کن بود و مدام از آینده ای صحبت می کرد که خیری از گذشته و حال آن ندیده بودیم. او بعد از طلاق از زن اولش به خواستگاری ام آمد و من از زندگی اش چیزی نمی دانستم و فقط برخورد و ظاهر آرامش را در محل کارمان دیده بودم. بعد از ازدواج تازه متوجه رفتارهای عجیب و غریب شوهرم شدم که چگونه حرص مال اندوزی داشت. وسایل خانه مان که متعلق به زمان زندگی با زن اولش بود بیشتر به دست دوم شباهت داشت تا به یک زندگی کارمندی با درآمدی ایده آل. زمان روشن کردن شعله گاز و بخاری، حق نداشتم از چند چوب کبریت


تزیینی

استفاده کنم و باید همزمان با یک چوب کبریت چند شعله را روشن می کردم و اگر در آخر کمی از ته چوب کبریت می ماند حق دور انداختن آن را نداشتم و دوباره نوبت بعدی باید از آن استفاده می کردم. شوهرم به جای این که برایم لباس بخرد از من می خواست لباس های خواهرم را که قصد دور انداختن شان را داشت بپوشم و خودش با افتخار پیش همه می گفت به خاطر آینده نگری اش لباس های برادرش را می پوشد و این کار یک تصمیم عاقلانه است.

شوهرم فقط عید به عید مرغ می خرید و مدام نان خشک و ماست و گاهی تخم مرغ می خوردیم. زمانی که شوهرم به اصطلاح خودش ولخرجی می کرد یک گونی برنج با کیفیت پایین می خرید که اصلاً قابل خوردن نبود و بوی پلاستیک می داد و بابت همین هم سر من منت می گذاشت.

کارت حقوقم دست همسرم بود و به محض این که حقوق هر دوی مان واریز می شد بلافاصله شوهرم آن ها را در یک حساب بانکی پس انداز می کرد و حق خرج کردن نداشتم. وقتی فرزندان دو قلویم به دنیا آمدند لباس های شان مندرس بود و فقط زمان مدرسه رفتن آن هم به زور مدیران مدرسه حاضر می شد لباس و فرم نو بخرد و بابت این کارش بچه هایم مدام پیش معلم ها سرافکنده بودند.

حتی یک بار وقتی کارت بانکی حقوقم سوخت و برای دریافت مجدد اقدام کردم شوهرم متوجه قضیه شد و بابت این کار به شدت من را کتک زد. او بیشتر حقوق مان را خرج دادن قسط وام هایی که برداشته بود می کرد و از طریق همین وام ها چندین خانه بزرگ خریده و حتی تعدادی از آن ها را به اسم من کرده بود تا به نوعی من را به زندگی دلگرم کند اما چه فایده که ذره ای از آن مال و اموال به درد من نمی خورد و اختیار استفاده از آن ها را نداشتم.

با وجود این که چندین خانه بزرگ و مجلل داشتیم اما با خساست شوهرم در یک خانه کوچک و نمور زندگی می کردیم. هر بار که به شوهرم بابت خساست های جنون آمیزش اعتراض می کردم به من می گفت همه این کارها به خاطر زندگی و بچه هایِ مان است تا در آینده راحت زندگی کنیم. اصلاً متوجه نمی شدم در کدام آینده قرار است ما از این همه دارایی و ثروت استفاده کنیم چون رو به سالخوردگی و پیری می رفتیم. اصلاً فامیل رنگ خانه ما را ندیده بودند چون هر بار که کسی تماس می گرفت به خانه ما بیاید شوهرم به بهانه این که ما در خانه نیستیم او را از سر خودش باز می کرد. گاهی که از من می خواست مهمان دعوت کنم قبول نمی کردم چون به خاطر این که برای پذیرایی چیزی در خانه نداشتیم آبروریزی می شد.

در این چند سال زندگی مشترک مان حسرت به دل ماندم که یک بار چای تازه دم و پررنگ بنوشم چون چای دم شده خیلی کمرنگ را باید چندین بار گرم می کردیم و می خوردیم و حق دور ریختن آن را نداشتیم آن هم چای درجه پایین و بدبو.

چندین بار به شوهرم گفتم فقط کارت حقوقم را در اختیارم بگذارد تا تمام مخارج زندگی مان را به تنهایی بدهم و اصلاً نیازی به حقوق او نیست و می تواند تمام حقوقش را برای خودش پس انداز کند اما هیچ وقت زیر بار نرفت. وقتی دیدم چندین سال از عمر و جوانی ام را پای زندگی با یک مرد خسیس که غیر از مال اندوزی به فکر چیز دیگری نیست گذاشته ام صبرم لبریز شد و عطای زندگی با مرد خسیس را به لقایش بخشیدم و درخواست طلاق دادم تا شاید بعد از آن بتوانم با گرفتن حقوقم یک زندگی ایده آل را برای خودم دست و پا کنم و از داشته هایم لذت کافی ببرم نه این که همه آن را پس انداز کنم.

عبرت

ماجرای سرقت از یک هنرمند بجنوردی

شیرینی تلخ

با وجود آن که بارها در مورد خوراکی نگرفتن از دست افراد غریبه در مکان های عمومی به ویژه داخل وسایل نقلیه توصیه شده است اما یک هنرمند بجنوردی به این موضوع توجه نکرد و دچار دردسر شد. وی در این باره گفت: مسافر قطار تبریز به مشهد بودم، پس از صرف شام هنگامی که به کوپه ام برگشتم یکی از مسافران که ظاهر مناسبی نداشت، با اصرار به من شیرینی تعارف کرد. با آن که شام خورده بودم از روی ادب یک شیرینی برداشتم و خوردم. پس از خوردن آن، من و یکی دیگر از مسافران وقتی از خواب بیدار شدیم دیدیم ۱۵ ساعت گذشته است. وقتی به اطراف نگاه کردیم از وسایل مان خبری نبود. بعد از پرس و جو متوجه شدیم سارق پس از بیهوشی ما در ایستگاه تهران پیاده شده است. او کوله پشتی، کاپشن، کیف، مدارک و کارت هدیه ۷۰۰ هزار تومانی ام را که به عنوان دستمزد گرفته بودم به سرقت برده بود. فقط شانس آوردم که گوشی ام را زیر بالشت مخفی کرده بودم وگرنه آن را هم از دست می دادم. با گذشت مدتی هنوز اثر مواد بیهوشی فرد سارق در من وجود داشت. البته من چندان حالم بد نشد اما فردی که از او هم سرقت شده بود راهی بیمارستان شد.

خبر



مرگ دومین کشاورز بجنوردی هنگام نگهبانی در چادر مسافرتی

سوختن یک کشاورز در آتش قاتل خاموش

مرد کشاورزی که برای نگهبانی از پیازهای جمع آوری شده اش شب را تا صبح در چادر مسافرتی گذراند و برای گرم کردن خودش از پیک نیک استفاده کرده بود بر اثر استنشاق گاز مونوکسید کربن فوت کرد همچنین چادر مسافرتی آتش گرفت و جسدش سوخت. این دومین کشاورزی است که طی دو ماه گذشته بر اثر استنشاق گاز مونوکسید کربن در چادر مسافرتی جانش را از دست می دهد.

رئیس سازمان آتش نشانی بجنورد در این باره گفت: در پی درخواست از آتش نشانی بجنورد مبنی بر بررسی صحنه مرگ و سوختگی مرد کشاورز در روستای کلاغ آشیان، کارشناسان این سازمان در صحنه حادثه حاضر شدند. «گریوانی» افزود: مطابق بررسی کارشناسان ما در حضور نیروهای انتظامی و قضایی کشاورز ۳۵ ساله ای که یک‌شنبه شب را برای نگهبانی از کیسه های پیاز جمع آوری شده اش در چادر مسافرتی به سر برده و برای گرم کردن خودش از یک پیک نیک استفاده کرده بود به علت استنشاق گاز مونوکسید کربن بیهوش شده یا جانش را از دست داده است. وی با تأکید بر این که چادر مسافرتی بسیار قابل اشتعال است و باید از استفاده از مواد قابل اشتعال در چادرهای مسافرتی پرهیز کرد، ادامه داد: چادر مسافرتی این کشاورز به دلیل قرار گرفتن در مجاورت آتش دچار آتش سوزی شد و او به همراه چادر و محتویات آن در آتش سوخت. «گریوانی» با هشدار جدی نسبت به استفاده از وسایل گازی در محیط‌های بسته گفت: شهروندان به‌هیچ وجه در مکان‌های بسته‌ای همچون کابین خودرو و چادرهای مسافرتی از این قبیل وسایل گازسوز به منظور گرم کردن محیط یا آشپزی استفاده نکنند زیرا باعث گاز گرفتگی و از دست دادن جان شان خواهد شد. گزارش خبرنگار ما حاکی است سوم مهرماه امسال پدر و پسر کشاورزی در بجنورد هنگام نگهبانی از محصولات شان در چادر به مسمومیت با گاز مونوکسید کربن حاصل از مواد آتش زا دچار شدند و پسر ۱۸ ساله در این حادثه جانش را از دست داد.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به این که شرکت پرورش شترمرغ بارثاوا اسفراین به شماره شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۰۴۸۲۰ و شماره ثبت ۶۷۴ با مدیرعاملی خانم زهرا امین زاده به شماره ملی ۰۶۳۰۲۱۴۴۵۱ باستناد دو برگ استشهادیه گواهی شده دفترخانه ۱ اسفراین منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت زمین پلاک ۱۸۹ فرعی از ۹۴ اصلی نیش کش واقع در بخش پنج بجنورد حوزه ثبتی شهرستان اسفراین به آدرس اسفراین روستای نیش کش که متعلق به شرکت می باشد به علت نامعلومی مفقود گردیده است با بررسی دفتر املاک معلوم شد نسبت ششدانگ مورد ثبت فوق ذیل دفتر ۳۱۷ صفحه ۲۵۱ ثبت ۴۶۹۳۶ سند به نام شرکت صادر و تسلیم گردیده و دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می شود تا هر کس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس ازانتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنانچه در ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد.

اکبر اقبالی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین

۹۷۱۳۲۲۹۹/و

۱۴۶/م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی ثبت املاک یک قسمت از بخش پنج بجنورد حوزه ثبتی شهرستان اسفراین

پیرو آگهی قبلی به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک تحدید حدود شماره زیر: **قریه خرینان پلاک شصت و چهار (۶۴) اصلی** ۵۲۴۶ فرعی مفروز از ۱۱۹۱ فرعی آقای علی دهقانی ایرج فرزند عیسی ششدانگ یک باب منزل در روز شنبه ۱۳۹۷/۰۹/۲۴ ساعت ۹ الی ۱۲:۳۰ قبل از ظهر در محل به عمل خواهد آمد. لذا به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک به صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی و مجاورین شماره فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار می گردد که در روز و ساعت بالا در محل حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشد مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین، تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود ارتفاقی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضی ثبتی، معترضین می بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد ظرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مراجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم را از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند.

تاریخ انتشار: سه شنبه ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

اکبر اقبالی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین

۹۷۱۳۱۳۵۴/و

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به این که آقای برات محمد یاری فرزند فرهاد شناسنامه ۲۳۷ و شماره ملی ۰۷۵۹۶۷۹۷۱۱ صادره جاجرم باستناد دو برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت از ششدانگ یک باب منزل مسکونی به شماره پلاک ۱۶۳ فرعی از ۱۱۵ فرعی از ۸۰- اصلی بخش ۶ بجنورد حوزه ثبتی جاجرم واقع در روستای گرمک شوقان که متعلق به وی می باشد به علت نامعلومی مفقود گردیده است با بررسی دفتر املاک معلوم شد نسبت به ششدانگ پلاک فوق سند مالکیت به شماره چاپی ۰۶۱۷۷۱-ه/۹۳- صادر و تسلیم گردیده است، دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد تبصره ۱ اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب را یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

اردلان محمدی کوشکی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جاجرم

۹۷۱۳۲۵۴۲/و

یکی از دلایل مهم اثر بخش نبودن بعضی از تبلیغات، باور نداشتن تبلیغ توسط سفارش دهنده است.